

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی

۱۶ جولای ۲۰۲۰



داکتر فارغی

## خاطرات تلخ از زمان تسلط طالبان

با سازمان صحتی جهان در جلال آباد کار می کردم، روز های پنجشنبه پشاور می رفتم و یکشنبه ها بر می گشتم. تنها من نبودم که فامیل در پشاور بود، ما چند نفر بودیم که در وطن خود مسافر و در پاکستان مقیم بودیم. من شبانه در هتل اسپین غر می بودم، هتلی بزرگ و سر سبز آراسته با گل های رنگارنگ و درختان نارنج. تعدادی از همکارانم از جمله استاد ما پوهاند صاحب غضنفر و یکی دوی دیگر در ریاست صحت عامه در تعمیر نرسنگ بود و باش داشتند. آنها در یک اتاق به طور اندیوالی با هم به سر می بردند و نان شب و چای صبح را خودشان تهیه می کردند، کاری که من از آن بیغم بودم. رستوران هتل که آمر آن "ظاهر جان" سابق منیجر رستوران خبیر کابل بود و خودش هم از اهالی کابل بود نان شب و چای صبحم را با اخلاص تمام تهیه می کردند. فضای رستوران هتل که ساحه وسیعی داشت به آدم پرستی می داد. از این که من قریب سه سال را در هتل مانند تمام کارمندان هتل با من مثل فامیل شان پیشامد داشتند و من نیز هیچ گاهی احساس تنهایی نمی کردم.

صبحانه گرفتن شاور آب گرم در شرایط محدودیت های آنوقت یک امتیاز بزرگ به حساب می آمد. به هر حال با وجود اینهمه نکات مثبت خاطرات تلخ هم کم نبود.

در یکی از روز های آغاز هفته که تازه از پشاور به دفتر آمده بودم، هنگام نان چاشت که همه ما یکجا با هم در اتاق طعام خوری به دور دسترخوان نشسته بودیم، یکی از همکاران ما که او هم مثل من از پشاور می آمد و نسبت به من هم از نظر سن و سال و هم از نظر دانش و تجربه پیشقدم بود و ریش دراز و بی تناسبی داشت، گزارشی از اتفاق نا میمون روزانه از کار روائی مأمورین امر بالمعروف طالبان را شریک ساخت.

او با لهجه منحصر به خودش این رویداد را به طور منافقت آمیزی طرح کرد. او با آن که آدم دانسته و چیز فهم بود ولی از نظر شخصیت کوتاهی فراوان داشت. یکی از کاستی ها در شخصیت او این بود که از هیچ کسی نه در پیشرو و نه هم در عقبش دفاع می کرد، خود خواه و چاپلوس بود و از زور و قدرت با وجود داشتن دانش فراوان مثل یک کودک می ترسید. به هر حال او یاد آور شد که امر بالمعروف کسی را که ریشش را کوتاه نموده بود در ملای عام خیلی اهانت کرد و مورد آزار و اذیت فزینی هم قرار داد. تعدادی از فرصت طلب ها که از ریش کوتاه من و سر و وضع مرتب و مو های چرب شده با روغن موی امریکائی که از بازار "کارخانو" به دست می آوردم، همواره رنج می بردند، شروع کردند به ارائه مقالات شان که گویا کسانی که ریش های شان را کوتاه می کنند باید از آبروی خود حذر کنند، چه فرق می کند اگر ریش هایشان دراز باشد، بی عزتی و اهانت ارزش آن را ندارد ...

موضوع خوب گرم شد و هر کسی به زعم خود چمچه می کرد. آشنای دانشمندم خودش را آرام گرفته بود و از زیر چشم به من نگاه داشت که من چه عکس العمل نشان می دهم ... من با خونسردی به همکاران یاد آور شدم که اولاً داشتن یک قبضه ریش بنا بر حکم شرعی تا حدی موجه است ولی هر قدر از آن بیشتر می گردد دلالت بر منافقت می کند. شرایط موجود قابل دوام نیست، فردا همه چیز تغییر خواهد کرد و شاهد تراشیدن ریش ها خواهیم بود، در آنوقت اصلیت ریشداران مذهبی و مصلحتی معلوم خواهد شد. من خودم را در توهین شدن ها و اذیت و آزار مردم شامل می دانم، این اهانت و تحقیر نسبت به انسان جامعه ما است و من، من حیث یک روشنفکر آن را تقبیح و مذمت می کنم. آنچه در مورد آبرو و عزت مطرح گردید خیلی مضحک به نظر می رسد چون که سالهای قبل مردم را به بهانه بی طرف بی شرف است و اگر با ما نیست پس با دشمن ما است، به زندان پلچرخی می بردند و از آنجا راهی دوزخ می کردند، پس به خاطر نجات جان هایشان دست به همکاری با جنایتکاران ملحد می زدند، این بدان معنی است که این ملت رقا صه ای بیش نیست که گاهی به نام حفظ جان هایشان و گاهی هم به بهانه آبرو و عزت شان از خط های سرخ عبور می کنند. من به خود شرم می دانم که آنچه نیستم خود را وانمود کنم، من همیشه همینگونه که مرا می بینید بوده ام و باقی خواهم ماند، اگر کسی خوش و آرام نیست می بینید که سرم را همیشه چرب می کنم بناءً همواره آماده است تا در ..... بزنند و آرام شوند. هزاران آزاده را سر زدند از ما هم صدقه سر شان.....